

بسم الله
الرحمن
الرحيم

پیام در امانما

بر گرفته از اثر ماندگار مرحوم
آیت الله هاشمی رفسنجانی
با مقدمه‌ای از استاد سید محمد علی ایازی

علی باقری فر

پیام راهنما

[برگرفته از اثر ماندگار مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی]

مؤلف: علی باقری فر | پیشگفتار: سید محمدعلی ایازی

ناشر: مؤسسه فرهنگی دین پژوهی بشر

داده‌آه‌ای و صفحه‌بندی: مجید زندگی | صفحه‌آرایی و طرح جلد: زهیر نوراللهیان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ باقری

نوبت چاپ: اول | شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه | قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

نشانی ۱: تهران، خیابان نریعتی، خیابان خواجه عبدالله انصاری، خیابان مدائن، کوچه انتاکیه،

کوچه سلام شرقی، پ. ۱۴ (جدید)، واحد ۵، تلفن: ۲۲۸۶۶۰۵۹

نشانی ۲: قم، خیابان معلم، مجتمع فرهنگی ناشران، طبقه اول، واحد ۱۲۰،

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۳۴/۹

www.din-pazhoohi.ir

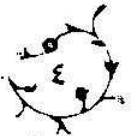
سرشناسه	۱۳۳۶
عنوان و نام پدیدآور	پیام راهنما، علی باقری فر
مشخصات نشر	مؤسسه فرهنگی دین پژوهی بشر، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	۶۶۰ ص.
شابک	۵-۸۰-۵۴۰۸-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیپا
موضوع	قرآن، تفاسیر شیعه قرن ۱۴
شناسه افزوده	ایازی، سید محمدعلی، ۱۳۳۳
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۶ ۷۰۱۲ ۷۰۲۵/هـ BP۹۸
رده‌بندی دیویی	۲۹۷/۱۷۹
شماره کتابشناسی ملی	۴۷۰۸۷۰۷



فهرست

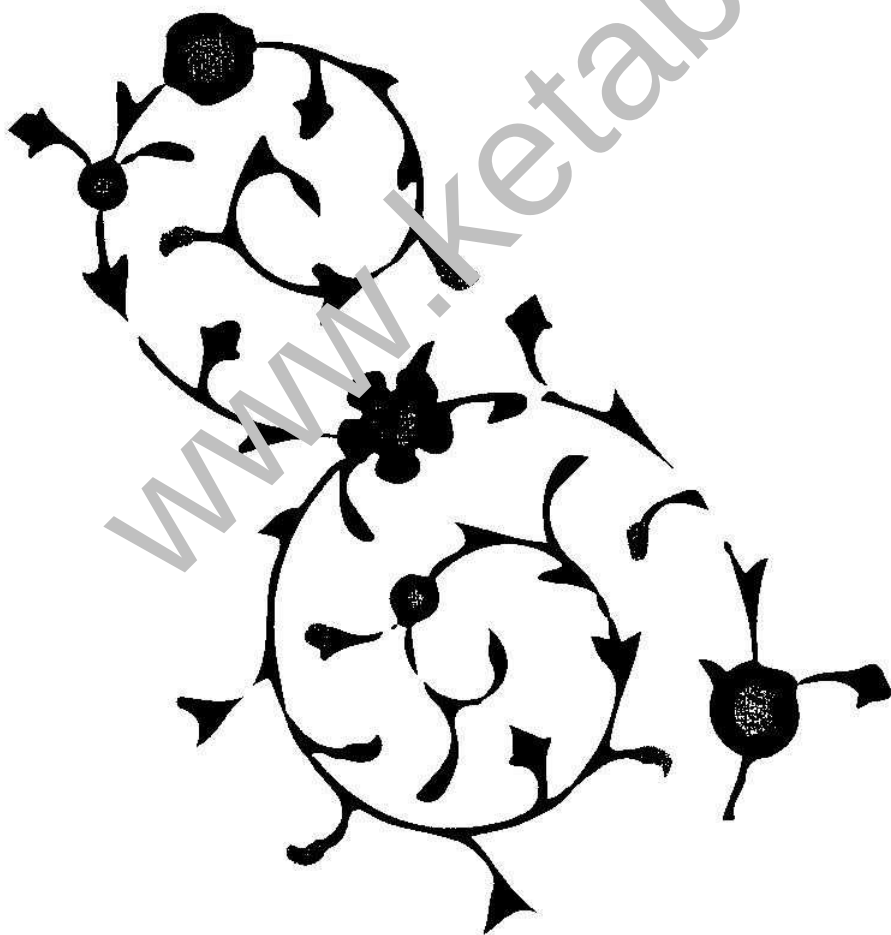
۱۳۷.....	سوره هود.....	۷.....	پیشگفتار.....
۱۴۷.....	سوره یوسف.....	۱۹.....	درآمد.....
۱۵۹.....	سوره رعد.....	۲۵.....	سوره حمد.....
۱۶۵.....	سوره ابراهیم.....	۲۵.....	معرفی سوره.....
۱۷۱.....	سوره حجر.....	۲۶.....	موضوعات و مفاهیم.....
۱۷۷.....	سوره نحل.....	۲۶.....	خدا.....
۱۸۹.....	سوره اسراء.....	۲۶.....	قرآن.....
۱۹۹.....	سوره کهف.....	۲۷.....	انسان.....
۲۰۷.....	سوره مریم.....	۲۷.....	معاد.....
۲۱۷.....	سوره طه.....	۲۹.....	سوره بقره.....
۲۲۷.....	سوره انبیاء.....	۲۹.....	معرفی سوره.....
۲۳۷.....	سوره حج.....	۳.....	موضوعات و مفاهیم.....
۲۴۵.....	سوره مؤمنون.....		خدا.....
۲۵۳.....	سوره نور.....	۳۳.....	قرآن.....
۲۵۹.....	سوره فرقان.....	۳۴.....	نبوت.....
۲۶۷.....	سوره شعراء.....	۳۶.....	انسان.....
۲۷۵.....	سوره زمر.....	۴۷.....	معاد.....
۲۸۱.....	سوره قحط.....	۴۹.....	سوره آل عمران ^۱
۲۸۹.....	سوره عنکبوت.....	۶۱.....	سوره نساء.....
۲۹۵.....	سوره روم.....	۷۳.....	سوره مائده.....
۳۰۱.....	سوره لقمان.....	۸۳.....	سوره انعام.....
۳۰۵.....	سوره سجده.....	۹۷.....	سوره اعراف.....
۳۰۹.....	سوره احزاب.....	۱۱۱.....	سوره انفال.....
۳۱۵.....	سوره سبأ.....	۱۱۷.....	سوره توبه.....
۳۲۱.....	سوره فاطر.....	۱۲۷.....	سوره یونس.....
۳۲۷.....	سوره یس.....		
۳۳۳.....	سوره صافات.....		
۳۳۹.....	سوره ص.....		

^۱ . تقسیم موضوعات و مفاهیم ذیل هر سوره مشابه همان است که در سوره حمد و بقره آمده است و به دلیل پرهیز از تکرار از ذکر آنها خودداری گردید.



سوره قلم..... ۴۸۹	سوره زمر..... ۳۴۵
سوره حاقه..... ۴۹۵	سوره غافر..... ۳۵۵
سوره معارج..... ۵۰۱	سوره فصلت..... ۳۶۳
سوره نوح..... ۵۰۵	سوره شوری..... ۳۷۱
سوره جن..... ۵۰۹	سوره زخرف..... ۳۷۹
سوره مزمل..... ۵۱۳	سوره دخان..... ۳۸۷
سوره مدثر..... ۵۱۷	سوره جائیه..... ۳۹۱
سوره قیامت..... ۵۲۱	سوره احقاف..... ۳۹۷
سوره انسان..... ۵۲۵	سوره محمد..... ۴۰۳
سوره مرسلات..... ۵۲۹	سوره فتح..... ۴۰۷
سوره نبأ..... ۵۳۳	سوره حجرات..... ۴۱۱
سوره نازعات..... ۵۳۷	سوره قی..... ۴۱۵
سوره عبس..... ۵۴۱	سوره ذاریات..... ۴۱۹
سوره تکویر..... ۵۴۵	سوره طور..... ۴۲۱
سوره انفطار..... ۵۴۹	سوره نجم..... ۴۲۷
سوره مطففین..... ۵۵۱	سوره قمر..... ۴۳۱
سوره انشقاق..... ۵۵۵	سوره الرحمن..... ۴۳۵
سوره بروج..... ۵۵۷	سوره واقعه..... ۴۳۹
سوره طه..... ۵۶۱	سوره حدید..... ۴۴۳
سوره اعلی..... ۵۶۳	سوره مجادله..... ۴۴۹
سوره غاشیه..... ۵۶۷	سوره حشر..... ۴۵۳
سوره فجر..... ۵۷۱	سوره ممتحنه..... ۴۵۷
سوره بلد..... ۵۷۵	سوره صف..... ۴۶۱
سوره شمس..... ۵۷۷	سوره جمعه..... ۴۶۵
سوره لیل..... ۵۷۹	سوره منافقون..... ۴۶۹
سوره ضحی..... ۵۸۱	سوره تغابن..... ۴۷۳
سوره شرح..... ۵۸۳	سوره طلاق..... ۴۷۷
سوره تین..... ۵۸۵	سوره تحریم..... ۴۸۱
سوره علق..... ۵۸۷	سوره ملک..... ۴۸۵

۶۱۳.....	سوره ماعون.....	۵۹۱.....	سوره قدر.....
۶۱۵.....	سوره کوثر.....	۵۹۳.....	سوره بینه.....
۶۱۷.....	سوره کافرون.....	۵۹۷.....	سوره زلزله.....
۶۱۹.....	سوره نصر.....	۵۹۹.....	سوره عادیات.....
۶۲۱.....	سوره مسد.....	۶۰۱.....	سوره قارعه.....
۶۲۳.....	سوره اخلاص.....	۶۰۳.....	سوره تکاثر.....
۶۲۵.....	سوره فلق.....	۶۰۵.....	سوره عصر.....
۶۲۷.....	سوره ناس.....	۶۰۷.....	سوره همزه.....
۶۲۹.....	نمایه ها.....	۶۰۹.....	سوره فیل.....
		۶۱۱.....	سوره قریش.....



پیشگفتار

سید محمد علی ایازی^۱

کتابی که در پیش روی دارید، کزیه^۱ی است از اثر گران قدر آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی با عنوان تفسیر راهنما که هنوز به ندرت به اهمیت این کار و ابتکاری بودن آن آشنایی ندارند. همچنان که کسانی از شیوه استفاده و یا کاربرد آن اطلاع کافی ندارند. جهت آشنایی با این تفسیر لازم است نکاتی در جهت معرفی این تفسیر، سرپیدایش تدوین و نگارش و نیز تمایز آن با تفسیرهای دیگر بیان گردد و جایگاه و اهمیت این انتخاب برای خوانندگان گرامی روشن شود. آیت الله هاشمی (ره) از متفکران معاصر و از سلسله داعیان بازگشت به قرآن و زندگی با مشی قرآنی است. وی برای بازگرداندن آموزه های این کتاب مقدس به حیات اجتماعی از دیرباز در اندیشه ی تدوین مفاهیم و موضوعات قرآن بود. او این ایده را ده ها سال در ذهن می پروراند تا اینکه در آخرین زندان ستم شاهی - سال های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ - فرصت یافت بدان جامه ی عمل پوشانده و به نگارش

^۱ پژوهشگر، بنیان گذار و نخستین مدیر مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۶۶-۱۳۷۴). ایشان برای بیش از ۴۵ جلد کتاب تألیفی و بیش از ۳۰۰ مقاله در زمینه های مختلف قرآنی، فقهی، و اجتماعی است که عمدتاً مطالعات و تحقیقات ایشان بر محور قرآن کریم قرار دارد. ایشان از اساتید حوزه و دانشگاه و مدیر گروه قرآن دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران هستند که کلیه ی تحقیقات خود را از ۳۰ سال پیش تا کنون در زمینه مطالعات قرآنی متمرکز کرده اند. فقه پژوهی قرآنی، ملاکات احکام، کیستی مخاطب قرآن، زبان قرآن، سیر تحول ترجمه قرآن، آزادی در قرآن و ... بخشی از تألیفات ایشان را تشکیل می دهد. ایشان پس از راه اندازی مرکز فرهنگ قرآن، به مدت ۸ سال، ساماندهی و تکمیل فیش های قرآنی مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی و تدوین تفسیر راهنما را بر عهده داشتند و به این مناسبت از ایشان درخواست شد مقدمه ای بر کتاب حاضر بنگارند که به عنوان پیشگفتار تقدیم علاقمندان می شود. (علی باقری فر)



و تدوین کلیدواژه‌ها و موضوعات و مفاهیم قرآن بپردازد. این تلاش در آغاز در ۲۲ دفتر ۲۰۰ برگی و بیش از ۳۰،۰۰۰ فیش قرآنی نگاشته شد و به شیوه مخصوص و با امداد الهی به بیرون زندان منتقل گردید. این دفترها پس از پیروزی انقلاب اسلامی خاستگاه آثار متعددی شد و بخشی از حوزویان را به کار قرآنی واداشت و همین منشأ تحول بزرگی در حوزه علمیه قم - و به تبع آن حوزه علمیه مشهد - در توجه به مطالعات تفسیری گردید. ثمره‌ی این تلاش مبارک تاکنون انتشار یک دوره‌ی ۲۰ جلدی تفسیر راهنما، یک مجموعه‌ی ۳۳ جلدی فرهنگ قرآن (کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم) و ۱۵ جلد دائرة المعارف بزرگ قرآن کریم و تکنگاری‌های فراوانی پیرامون موضوعات قرآنی بوده است. در آغاز پیشگفتار، پیشینه و اهداف کار را از زبان خود ایشان که در مقدمه تفسیر آمده، با اندکی تلخیص گزارش می‌کنم:

آرزوی بس دیرپای است که از دوران تحصیل و تحقیق در معارف اسلامی، در پیش و روحم ریشه گرفت. دورانی که به قرآن - این تجلی‌گاه خداوند برای خلق و این میزان قلم - رجوع هدايت - می‌اندیشیدم و آن را در جامعه مهجور می‌یافتم و طریق بهره‌گیری از آن را برای محققان و جویندگان شهد شفافبخش دردهای فردی و اجتماعی امت اسلام دشوار می‌دیدم و از این رنج می‌بردم. گاه اتفاق می‌افتاد که برای این بردن به نظر قرآن درباره‌ی یک موضوع، ناگزیر از مطالعه‌ی تمامی آن می‌سدم و این کار برای تحقیق در موضوعی دیگر، باید تکرار می‌شد. در نتیجه، کاوش در هر موضوع، فرصتی طولانی می‌طلبید و روند تحقیق به‌کندی می‌گرایید.

متأسف بودم که چرا امت اسلامی طی قرن‌ها، آرنه‌ای که باید برای این کتاب - که عهد الهی با مردم و درمان مبارک و راستین جسم و روح و جسم جامعه‌ی انسانی است - سرمایه‌گذاری بایسته‌ای نکرده و در طول این روزگار طلانی دائرة المعارفی قرآنی تدوین نشده است تا جویندگان معرفت و حکمت پژوهندگان نور و هدایت، به‌آسانی از آن بهره‌گیرند و آرامش روح، شفاي قلب و اطمینان خاطر پیدا کنند ...

در آن زمان بر خود فرض می‌دیدم که برای هموار ساختن مسیر تحقیق در قرآن و ایجاد سرعت و انتقان بیشتر در برداشتها و دریافت نگرش‌های قرآنی و رفع این نقیصه از فرهنگ دینی و معرفتی، اقدامی بکنم. آن روزها، روزگار تلخ استبداد بود و بسیاری از نیروها و فرصت‌های ما، صرف مبارزه می‌شد و مجالی بایسته برای تحقق این احساس مقدس و آرمان عالی دست نمی‌داد.

در طول مبارزات، هر بار که به زندان می‌افتادم، پس از سپری کردن دوران بازجویی و بازپرسی - که معمولاً به خاطر هیجان‌ها و التهاب‌ها و نگرانی‌ها، امکان فکر و تحقیق از انسان سلب می‌شد و معمولاً هم در سلول انفرادی بودم و امکانات تحقیق

نداشتیم - به فکر انجام این مهم بودم، ولی دوران کوتاه این ادوار، فرصتی کافی برای تحقق این آرمان نبود ... سرانجام دعایم مستجاب گردید و فرصتی مناسب و مجالی گسترده برای پی‌ریزی این طرح و تحقق این آرزوی عمیق به دست آمد.

در سال ۱۳۵۴، پس از بازگشت از سفری که به منظور اهداف مبارزاتی صورت گرفته بود، توسط عناصر ساواک بازداشت شدم. در همان مراحل نخستین بازجویی، با توجه به شرایط آن روز و مدارک موجود در پرونده، معلوم می‌نمود که دوران زندانی‌ام طولانی خواهد بود. بدین‌جهت عزم را برای تهیه تحقیقی تحت عنوان «کلید قرآن» جزم کردم. علی‌رغم کوفتگی‌ها و جراحات ناشی از شکنجه - که توان جسمی‌ام را به تدریج رده بود - روحیه‌ام پایداری و نشاط لازم را برای آغاز این کار دارا بود. از مأموران ساواک مستقر در کمیته مشترک خواستم تا قرآنی در اختیارم بگذارند، ولی آنان امتناع کردند؛ چون می‌دانستند قرآن برای ما در سلول‌های انفرادی انیس خوبی است و رنج ردها، مشکلات و تنهایی را جبران می‌کند. باوجود این، در اختیار نداشتن قرآن، نمی‌توانست مانع برای تصمیم من در آغاز این راه مبارک محسوب شود. از حافظه‌ام یاری جست، زیرا آن روزها، هنوز بیشتر آیات قرآن را با لفظ و ترتیب در حافظه داشتم. ترویج "لی" مدد کرد و به نتایج خوبی رسیدم. با اینکه وسیله‌ی یادداشت نداشتیم؛ ولی صفحات ذهنی، انبوهی از مطالب و مضامین قرآن را در خود ثبت کرد و نظم داد.

طرح کلی کار، هماهنگ با اهداف موردنظر، کاملاً ... ذهنم جای گرفت. حدود یک ماه در کمیته، کار به همان صورت انجام شد، بی آنکه یک سطر نوشته و یادداشتی داشته باشم. دوران بازجویی به انتها رسید و بالأخره از خدمت به زندان اوین منتقل شدم. جمعی از بهترین دوستان و هم‌زمانم دربند شماره یک این ... مع بودند؛ آقایان طالقانی، منتظری، مهدوی کنی، لاهوتی، انواری، ربانی شیرازی و پس از چندی، آقایان کروبی، موحدی ساوجی، شهید عراقی، عسکر اولادی و دیگر ... به این جمع پیوستند. جمع وزین و قابل‌توجهی بود؛ دوران بازجویی‌ها گذشته بود و التهاب و نگرانی نداشتیم.

مقداری کتاب و وسایل نوشتن در اختیارمان قرار داشت و در ملاقات‌ها نیز می‌توانستیم برخی از نوشت‌افزارها را از بیرون تهیه کنیم. فضای زیست زندان جمعی در مقایسه با زندان انفرادی، برای کار تحقیق و تفکر مناسب‌تر بود. خلاصه زمینه ازهرجهت برای تحقق بخشیدن به آنچه در قرآن می‌جستیم، فراهم گشت. نعمت و حجت خداوند بر من تمام بود و من هم متقابلاً بهترین نتایج تحقیقی را از این فرصت‌ها گرفتم و عمده‌ی وقت خود را برای این کار وقف کردم.



اکنون نمی‌توانم برای خواننده ترسیم کنم که از توفیق به‌دست‌آمده تا چه اندازه خوشحال و شاکر بودم. در آن زندان با ناگواری‌هایش، به خاطر انس، الفت و پیوندی که با قرآن پیدا کرده بودم و شور و نشاطی که در خود احساس می‌کردم، روزی چند بار مضمون «این الملوک و ابناء الملوک» را بر قلب یا زبان می‌گذراندم.

در مراحل نخستین کار، کتاب‌های تفسیری در اختیار نداشتم؛ ولی پس از مدتی، به تفسیر نیز دست یافتم. بعد از نماز صبح - که معمولاً بلافاصله پس از طلوع فجر بود - مشغول می‌شدم و تا نزدیک ظهر فقط به این کار می‌پرداختم. فقط برای صرف صبحانه و ورزش مختصر صبحگاهی و انجام نیازهای ضروری از کارم منفک می‌شدم. به‌جز روزهایی که مسئول کار زندان بودم - که نظافت و ظرف‌شویی و سایر کارها وقت می‌گرفت و در وقت دیگری، جبران می‌کردم - همه می‌دانستند که در این ساعات، نباید مرا به کار دیگری مشغول کنند. گاهی هم برای فهم مطلب، نیاز به مذاکره و بحث با دیگران پیش می‌آمد که - بحمد الله - از این جهت در محیط زندان، دستم آزاد بود.

برای استفاده‌ی بیشتر از وقت، امکانات محدود زندان و کوچک کردن حجم اسناد برای تسهیل انتقال به خارج، مختصر، اشاره‌ای و متراکم تهیه می‌شد؛ مثلاً چند مطلب را - که از یک اثر یا بخشی از آن استفاده می‌شد - در کنار چند عنوان با یک جمله می‌نوشتیم به اول سبب دشوار بود و کم‌کم روان شده بود. چگونگی کار، به گونه‌ی ذیل بود: سادگی تاریخی جامعه‌ی متحد و بی‌اختلاف بشریت «كان الناس امة واحدة...» انسان، تاریخ، وحدت، جامعه، اختلاف یا نقش پاداش و کیفر و بشارت و انذار در تبلیغ انبیا «نبعث الله منبرین و منذرین...» انبیا، تبلیغ، بشارت، انذار، پاداش، کیفر.

به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود در این دو سه سطر، یازده فیش نوشته شده و با یک جمله - که به چندین عنوان مربوط است - چند فیش تهیه شده است. این ترتیب معمولاً هر صفحه‌ی دفتر، حدود بیست فیش را می‌گرفت و چون در خدمت سرها در هر دو طرف صفحه نوشته می‌شد، هر دفتر دویست برگ، حاوی هزارها فیش می‌شد.

طبعاً در تهیه‌ی متن نهایی، عبارت اصلاح شده، رسا و مناسب برای مضمون فیش انتخاب می‌گردید و به لطف خدا و نورانیت قرآن، آن‌چنان ذهن و قلم روان شده بود که به‌محض مطالعه‌ی آیه، تابلو روشنی از مطالب و مضامین آیه، در ذهنم ترسیم می‌شد و سریعاً آن را در دفتر ثبت می‌کردم.

در دادگاه بدوی به شش سال زندان محکوم شدم. فکر کردم کار را در زندان می‌توانم تمام کنم، ولی در تجدیدنظر، با توصیه‌ی آیت‌الله خوانساری، مدت حبس به سه سال تقلیل یافت و معلوم شد که نمی‌توانم کار را در زندان تمام کنم. از این‌رو تصمیم به انتقال دفترها به خارج از زندان گرفتم ... همسرم، محصول کارم را که می‌دانست برای ما برای جامعه‌ی اسلامی‌مان با ارزش است، از زندان بیرون می‌برد که به لطف خدا، خطری هم پیش نیامد.

سال آخر زندان، انقلاب اسلامی اوج گرفته بود و سقوط نظام منحوس پهلوی به وضوح قابل پیش‌بینی بود و زندانیان دسته‌دسته مورد عفو قرار می‌گرفتند ... حدود ده روز به سه سال محکومیت، مشمول عفو شد و پیش از پیروزی انقلاب، آزاد شدم؛ چون کنترلی نبود، تمام نوشته‌هایم را با خود به خانه آوردم. بنا داشتم که در خانه، کار قرآن را ادامه دهم. روزهای اول هم چندساعتی وقت، برای آن صرف می‌کردم؛ ولی به‌زودی معلوم شد که مسئولیت‌های من در جریان انقلاب، بیشتر از آن بود که بتوانم وقت فارغی برای ادامه‌ی تحقیق داشته باشم.

پس از پیروزی انقلاب، سازمانی را برای تهیه‌ی مطالب دینی و اجتماعی مناسب انقلاب از من کمک خواست؛ زیرا در آن زمان، آرشیشان از این‌گونه مطالب خالی بود. آقای معادیخواه - که در فیش برداشته‌ها من کمک می‌کرد و جمعی از طلاب و دانشجویان را به این منظور به کار گرفته بود و از این اثر اطلاع داشت - از من خواست که یادداشت‌ها را برای استفاده‌ی برنامه‌های دینی و اجتماعی در اختیارشان قرار دهم و من قبول کردم و متقابلاً خواستم که فیش‌ها را تفکیک کنند و آن‌ها هم‌چنین کردند. در نتیجه، کلاسورهای زیادی به ترتیب گروه‌ها با فیش‌های مستقل به وجود آمد و فهرستی ناقص هم‌شکل گرفت که یک نسخه هم به من دادند.

در این فاصله، مراکز انتشاراتی دیگری هم با اطلاع از این سرمایه، برای تکمیل کار مراجعه می‌کردند، دفتری را می‌گرفتند و می‌رفتند و معمولاً دورانی سنگین و دامنه‌ی وسیع کار، آن‌ها را وادار به اظهار عجز می‌کرد، ولی در تمام این مدت، هیچ‌وقت در تصمیم به ادامه‌ی کار خللی وارد نشد و مشاهده‌ی نیازهای امت اسلامی، آن‌هم پس از پیروزی انقلاب و سیل تقاضاهای گوناگون برای شناخت بیشتر قرآن، ایمان را به‌ضرورت ادامه‌ی کار قوی‌تر می‌کرد. اما نیازها و ضرورت‌ها، حوزه‌های علمیه را وادار به تحقیق بیشتر در ابعاد معارف اسلامی نمود و گروه‌های



تحقیقی در بسیاری از رشته‌ها به صورت خودجوش یا تحت هدایت مسئولان شکل گرفت.^۱

ادامه‌ی ماجرا

پایان سال ۱۳۶۵ یا اواخر سال ۱۳۶۶ بود که مرحوم آیت‌الله عبائی خراسانی انجام این کار را به من (محمدرضا ایازی) پیشنهاد کرد، من در ابتدا در پذیرش کار مردد بودم از این رو به قرآن کریم متوسل شدم. در پاسخ آیه ۳۰ از سوره قصص آمد: ﴿فَقَالَ لِلَّهِ امْكُتُوا إِنِّي أَنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هُدًى﴾ این آیه به داستان حضرت موسی اشاره دارد، آنگاه که با همسر و فرزندان از دین باز می‌گشتند، راه را گم کرده بودند و هوا هم سرد بود. آن حضرت آتشی در دوردست دید و همسرش گفت: «آتشی دیدم ...» برای رهایی و بهره‌گیری از گرمای آتش به آن سو شتافت که مقدمه وحی شد. با برداشتی که از این آیه و استخاره پیدا شد، کار را پذیرفتم. مرحوم آیت‌الله عبائی و حبیب‌الله جعفری گیلانی در جلسه‌ای حضوری مرا به مرحوم آقای رفسنجانی - که آن زمان ریاست مجلس شورای اسلامی را بر عهده داشت - معرفی کردند و ایشان به تبع تجربه‌های قبلی ناامیدانه بودند را برای من توضیح دادند و با احتیاط، مسئله‌ی انجام کار را مطرح کردند! پس از این نشست، من با توجه به این که سابقه‌ی انجام کار گروهی داشتم بعضی از دوستان را جمع کردم و مدتی درباره‌ی روش، مباحث و اهداف کار بحث و بررسی کردیم و آیین‌نامه و روش کار را به نگارش درآوردیم، که البته هر یک از ما کار ادامه پیدا کرد این روش تکمیل شد و توسعه یافت و ابعاد جدیدی برای کار شکل گرفت. تقریباً دو تا سه ماه بحث می‌کردیم که کار چگونه پیش برود تا به سرانجام رسید و به این نتیجه رسیدیم که از این کار و این دفاتر بیست و دوگانه سه کار می‌توان تولید کرد که عبارت بودند از:

۱. نوشتن تفسیر، ۲. تهیه فرهنگ موضوعی، ۳. کلید قرآنی و ۴. کار نهایی یعنی تهیه‌ی دائرة المعارف قرآن. مهم‌ترین ویژگی این کار پژوهش دسته‌جمعی در نفس زمان، رونق و عصری بود که گروه‌ها درباره یک آیه و دیدن منابع گوناگون به بحث و بررسی این برداشتها - پرداختند و شیوه استنباط و کشف مدلول آنها مرتب با نگارش ضوابط و آیین‌نامه‌ها یکدست و هماهنگ می‌شد.
- ما نزدیک به ۲۲ گروه - به تعداد دفاتر ایشان - تشکیل دادیم. هر گروه ۴ تا ۵ نفر بودند که این افراد گام‌به‌گام، ابتدا فیش‌ها را مطالعه می‌کردند، سپس ۱۰ تا ۱۲ تفسیر را تعیین کرده بودیم که مطالعه می‌کردند و درباره نکات استخراجی و نکات جدید بحث می‌کردند. جالب این که برای این که دوستان دفتر تبلیغات مشهد را نیز درگیر کار قرآن و تفسیر کنیم از آنان هم دعوت کردم و جمعی از آن حوزه

^۱ برگرفته از مقدمه‌ی تفسیر راهنما، جلد اول، صفحات ۹-۱۶، همراه با تلخیص

به گروه‌های تفسیری قم پیوستند و بخش‌هایی قابل توجه از تفسیر و فرهنگ موضوعی تفاسیر را آنان انجام دادند.

یکی از کارهایی که در طول کار انجام شد، آموزش نیروهای محقق برای این کار تخصصی بود، همه این افراد با تفسیر آشنا بودند و عربی و قواعد فهم متن را در علم اصول و فقه می‌دانستند، اما لازم بود که این شیوه از استخراج موضوعات را بدانند و مرکز به آن‌ها آموزش می‌داد تا از یک وحدت رویه در کار برخوردار باشند... طرح و نقشه‌ای برای کار تهیه کردم و در جلساتی حضوری به مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گزارش دادم، بسیار امیدوار و خوشحال شد، و یأس‌های پیشین تبدیل به امید گشت که این کار شکل گروهی و علمی گرفته و با اهداف چندگانه - و فراتر از هدف اولیه - پیش می‌رود. در جلسات دوم و سوم بود که ایشان احساس کرد با گروهی جدی و ملتزم مواجه است که می‌تواند کار را به سرانجام برسانند. آقای هاشمی در این باره می‌نویسد:

با توجه به کرب نیازی و میدان‌های فراوان کارهای اجرایی یا علمی زودبازده و کمی تعداد دانشمندان شایسته کارهای تحقیقاتی دیربازده و حوصله‌بر، همکاری مشتاقانه‌ی برادران فاضل و طلبه‌های سخت‌کوش - در «مرکز فرهنگ و معارف قرآن» برای تکمیل این طرح - فرصت مغتنمی دیگر و امدادی الهی برای این‌جانب و این هدف مقدس است. بهر آنکه می‌بینم جمعی از افاضل حوزه علمیه‌ی قم به اهمیت کار پی‌برده‌اند و برای آن دل‌سوزانند و نیرو صرف می‌کنند و بهتر از خود من کار را اداره می‌کنند، بار دین همان حالت شکر و سپاسی را که در شروع کار در قلب و دلم جای گرفته بود، با عمق بیشتری احساس می‌کنم و پژمردگی چند سال دوران رکود کار را در حال جریان می‌بینم. در اینجا لازم است اعتراف کنم که در سایه‌ی کار دسته‌جمعی و مشاوره و هماهنگی جمع قابل توجهی از فضایی حوزه علمیه‌ی قم، کیفیت کار از آنچه که در طرح و عمل من بود، بهتر شده و دورنمای طرح، روشن‌تر و امیدبخش‌تر درآمده است. البته وقتی کار در اختیار «مرکز فرهنگ و معارف قرآن» قرار گرفت، آنان به گستردگی فرایند تحقیق در معارف قرآنی افزودند و به‌جز هدف یاد شده، اهداف دیگری را نیز در نظر گرفتند.^۱

کار دومی که در همان زمان انجام شد این بود که گروه نظارتی را تشکیل دادیم، که کار گروه اول را بررسی و کنترل و برای ایجاد هماهنگی بیشتر یکدست می‌کردند، یعنی برداشت‌های استخراج شده آنان را می‌خواندند و با توجه به قواعد تنظیم شده بررسی و نقد می‌کردند تا نوشته‌های آنان از روش توصیفی و گزارشی تحلیلی از آیات و شیوه استخراج موضوعات تخطی نکرده باشد.

تشکیل گروه تفسیر روایی

در ادامه‌ی کار خلّایی احساس کردیم و آن این بود که در فیش‌های مرحوم آیت‌الله هاشمی از روایات پیامبر و ائمه استفاده نشده بود، چون ایشان در زندان کتاب تفسیر روایی نداشتند. لذا گروهی مختص این کار به ریاست مرحوم آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی تشکیل شد. (البته ایشان حق استادی به گردن مرحوم آقای رفسنجانی داشتند ولی به دلیل علاقه خاصی که به کارهای قرآنی و تفسیری داشتند در این کار شرکت کردند.) به مسئولیت ایشان یک گروه ۴ تا ۵ نفره شکل گرفت تا روایات تفسیری یا روایاتی که در ذیل آیات در تفسیر نورالثقلین حویزی، البرهان بحرانی و تفسیر الدر المنثور سیوطی آمده بود را با توجه به منابع حدیثی تفسیری فریقین به لحاظ سند و دلالت بررسی کنند و نکاتی را که در میان آیات و احادیث جمع کرد را فیش‌برداری و نکات مرتبط با آیه و موضوعات را استخراج کنند.

این کارها انجام شد و کم‌کم مجلدات برای چاپ آماده می‌شد که برای نام‌گذاری آن نظرات مختلفی بود، نظر من از همان ابتدا «تفسیر راهنما» بود، بعد با مرحوم آیت‌الله هاشمی مشورت کردیم. ضمناً گاهی برای بعضی از «آب‌های» که یادداشت می‌کردیم و حرف داشتیم، با ایشان جلسه می‌گذاشتیم که ۱ یا ۲ ساعت یا بیشتر صور می‌کشید به مباحث راجع به کلان این کار مطرح بود، یا برای یک آیه‌ی خاص یا مسائلی که پیش می‌آمد، از حمله طرح‌های آتی تفسیر و یا انتخاب اسم کتاب، که درنهایت همان تفسیر راهنما تصویب شد و این تفسیر در ۲۰ جلد با عنوان «تفسیر راهنما» چاپ شد که این گروه از محققین در جهت تکمیل و تکوین رفتار مرحوم هاشمی انجام دادند.

ویژگی فیش‌های مرحوم آقای هاشمی و تفسیر راجع به

۱. **اولین ویژگی** فیش‌های آن مرحوم، موضوعی بودن آن است یعنی در عین حال که به ترتیب مصحف شریف تنظیم شده بود و مطالب تفسیری به ترتیب آیات و سوره‌ها در خود آیه به ترتیب کلمات و مدلول آن‌ها از مطابقی و تضمنی و التزامی تألیف شده بود، و در ذیل آن‌ها در آغاز نکات تفسیری یادداشت می‌شد، سپس موضوعات استخراجی از آن‌ها، مثلاً انسان در قرآن، آسمان در قرآن، جهان‌بینی در قرآن. طبعاً این نگاه موضوعی به قرآن، متفاوت از تفسیر ترتیبی رایج در تفاسیر قرآن است که تنها به دنبال کشف و بیان مفهوم آیه است. در این ویژگی ایشان از آغاز طرح نگارش به دنبال ارتباط آیه به یکی از موضوعات عینی جامعه و فهم موضع قرآن درباره آن مسائل بوده است.

۲. ویژگی دیگر، بیان مسائل چالشی عصر و پرسش‌های جامعه و گرایش اجتماعی تفسیر است که در حوزه مطالعات قرآن در دوره معاصر وجود داشت، که حتی برای همکاران فرهنگ و معارف قرآن نسبت به کشف این موضوعات در آغاز کار سؤال‌برانگیز بود و مدت‌ها طول کشید تا با آن آشنا شوند و آن نگاه، زمینه نگرش اجتماعی به قرآن را فراهم می‌ساخت و سبک استخراج مطالب به‌صورت

توصیفی و خبری بود. آن مرحوم با موارد علمی و اجتماعی که در جامعه با آن برخورد داشت و با گره‌ها و چالش‌ها و مسائلی که مطرح بود می‌توانست یک مسئله‌ای از مسائل اجتماعی را در این کتاب جواب دهد. مثلاً در حوزه اصلاح اجتماعی که مصلحان مسلمان و ایشان در ذیل آیهی ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ مطرح کرده بودند، در ذهن ایشان این بود که چرا جامعه‌ی ما دچار این همه عقب‌افتادگی و انحطاط است؟ و در پاسخ، به این جمع‌بندی رسیده بود که اگر ما می‌خواهیم به یک تحولی در جامعه برسیم باید خود مردم این تحول را ایجاد کنند و نباید منتظر معجزه بود. روشن است که این نگاه، یک دید اجتماعی جدید به آیه قلمداد می‌شد.

یا در زمینه‌ها: «مخالف دیگر مثل آزادی، حقوق، عدالت و ... مسائلی مطرح بود که آقای هاشمی دغدغه‌ای داشت، که اگر جامعه بخواهد از این همه مسائل و مشکلات، مثل فقر، انحطاط و عقب‌افتادگی و تبعیض ... رهایی یابد، باید به یک معرفت و بینش و شناخت از واقعیت خود و نیازهایش برسد و این معرفت و بینش را قرآن تبیین می‌کند، که حرکت جامعه بدون خواستن و توانستن نیست و ایشان می‌خواند این بینش قرآنی را در جامعه ترویج کند. پس ویژگی دوم فیش‌های ایشان، نگاه به جامعه و مشکلات آن و یافتن راهکار قرآنی برای آن بود.

۳. ویژگی سوم، کشف ابعاد تحول قرآن بدون شک همه مطالبی که در ذیل یک آیه از مدلول التزامی، تضمینی، و مطابقی آیه و مستند آن به دست می‌آید باید دسته‌بندی می‌شد. بسیاری از تفاسیر به مدلول التزامی آیات توجه نمی‌کنند. کسی که بخشی از پیام قرآن که این کتاب را جاوید و ابدی می‌کند، توجه به لوازم و آثار پیام و نکات استخراجی از آن است. به نظر من ما هنوز تفسیری با این ویژگی که به همه مستندات آیات و برداشت‌های قرآنی به صورت دسته‌بندی شده توجه کرده باشد در اختیار نداریم؛ مثلاً وقتی در آیه ۴ مائده می‌گوید: ﴿غُلِّقَ عَلَيْهِمُ الْغُتَّةُ﴾ برای شما حلال است یا می‌توان به آنان غذا داد»، به‌طور التزامی از این آیه استفاده می‌شود که می‌توان - بدون تعارض و دشمنی - با آنان روابط خانوادگی و عاطفی برقرار نمود.

۴. ویژگی چهارم، استخراج نکات تفسیری با توجه به آیات قبل و بعد از آیه است؛ زیرا برداشت‌ها و تفسیرهای موجود در ذیل یک آیه، تنها از خود آیه نیست، بلکه گاهی از تفسیر آیه به پیوند یک آیه با آیات قبل و بعد به دست می‌آید، یعنی نقش سیاق در تفسیر راهنما دارای اهمیت بسیار است. استفاده از مناسبت میان حکم و موضوع دارای اهمیت است. ترکیب فرازی از این آیه با آیات قبل و یا بعد مدلول دیگری می‌سازد. گرچه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به سیاق توجه کرده است اما به نظر من بعد از المیزان، تفسیرهای دیگر به این جهات توجه نکرده‌اند و در تفسیر راهنما به سیاق و فرازهای مستقل که من بخش وسیعی از آن را در فصل نهم فقه پژوهی قرآنی توضیح داده‌ام، خیلی توجه شده است و هر آیه با آیات قبل و بعد آن تفسیر شده و نکات مهم اجتماعی و اخلاقی و سیاسی استخراج شده و نکات لطیف و ریزی از آیه به دست آمده است.

۵. ویژگی دیگر تبیین مستندات آیه است. استخراج نکات اگر مستند به ظاهر و مدلول مطابقی آیه نباشد و روشن نباشد از کجای آیه استفاده شده، برای استفاده کننده متخصص مشکل ساز خواهد بود. از این رو مستندسازی هر برداشت - اگر از قبیل مدلول مطابقی و تضمنی نیست و به مدلولات التزامی و یا دلالت اقتضا مرتبط است - یکی از ویژگی‌های این تفسیر است، یعنی اگر این برداشت از مدلول مطابقی آیه به دست می‌آید نیاز به توضیح ندارد، ولی اگر از مدلول التزامی و تضمنی آیه و یا پیوند این آیه با آیه قبل استفاده شده است دلیل آن در عبارتی مختصر و گویا توضیح داده شده است.

۶. ویژگی ششم، فهرست کردن موضوعات یک آیه در قالب فرهنگ موضوعی همراه با تفسیر است. مثلاً در آیهی ۵۶ سوره‌ی روم ﴿وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ ذیل این آیه موضوعات مختلفی آمده که عبارت است از: ایمان به خدا، سخنان صاحب وحی، برزخ، علم، نقش و جایگاه علماء، قیامت، کافران، معنی لَح محفوظ و گروه‌های موافق و مخالف و باز ذیل آن ریز موضوعات دیگر آمده است و در پایان در جلد فهرست مداخل موضوعات را به صورت الفبایی می‌توان یافت. مثلاً اگر می‌خواهیم بدانیم که در مورد رزخ چه مطالبی در قرآن آمده، در «ب، ر، ز، خ» مطالب مربوط به آن را ملاحظه می‌کنیم، راجع به اسلام، احیاء اجتماعی و ... مطالب دیگر هم همین‌طور و متوجه می‌شویم در کدام آیات راجع به این مطالب صحبت شده است.

۷. ویژگی هفتم ترکیب میان آیه و مدلول روایت تفسیری است. البته در تفاسیر روایی اخبار بسیاری آمده که از قبیل بیان مصداق و تفسیر و تطبیق است. اما روایاتی که در توضیح و تفسیر آیه کارساز بودند، باید در تفسیر آیات گنجانده می‌شدند. مدلول آن استخراج می‌شد. این کار در تفسیر راهنما با اشراف آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی انجام گرفت و گروهی با بررسی سند و دلالت روایت ابعاد موضوع تفسیر روایی را در برداشت‌های تفسیری گنجانده‌اند. طبعاً این تفسیر با این ویژگی‌ها به نظر بنده از این جهت منحصر به فرد است که در ذیل هر آیه از این تفسیر آمده، تحلیل آن هم آمده است. درحالی که در تفسیرهای دیگر فقط روایت را نقل کرده‌اند، اما به آن چیست، یا لازمه‌ی جمع بین آیه و حدیث چیست؟ نیامده است. اما در تفسیر راهنما این کار انجام گرفته است و به نظر من کار بی‌نظیری است.

تفسیر نگاری در زندان

از دیگر ویژگی‌های این تفسیر آن است که محصول زندان و تنهایی است. این ویژگی هم به لحاظ شخصیت و روحیه مفسر و هم خصوصیات روحی و الهامات و فیوضات معنوی و ربانی در میان تفاسیر قابل توجه است. کسی که انقطاع پیدا می‌کند و این انقطاع آگاهانه و در مسیر انجام مسئولیت اتفاق می‌افتد، حالاتی برای مفسر به وجود می‌آورد که وصف نکردنی است. باید این دسته از تفاسیر را به صورت مستقل بررسی کرد. در دوره‌ی معاصر تفسیرهایی نوشته شده که محصول زندان

است، من به‌طور مشخص شش تفسیر را در دوره معاصر به‌خاطر دارم که در زندان نوشته شده یا شرایط زندان در آن مؤثر بوده و من در کتاب «شناخت نامه تفاسیر» و «المفسرون حیاتهم و منهجهم» آن‌ها را معرفی کرده‌ام. از جمله می‌توان به شخصیت سید قطب اشاره کرد که تفسیر «فی ظلال» را در زندان بازسازی کرد. اول یک‌چیز محدودی نوشت، اما وقتی به زندان افتاد، تنهایی و حالات روحی و معنوی که برای او به‌خاطر شرایط زندان ایجاد شده بود، فرصتی را فراهم آورد که نوشته‌های سابق خود را به‌صورت تفسیری با رویکرد انسانی، حماسی، حرکت‌زا و آموزشی و تربیتی تکمیل کند. مرحوم آیت‌الله طالقانی هم تفسیر «پرتویی از قرآن» را در زندان نوشت. سعید حوای هم چنین تفسیری در زندان و در حالت تنهایی نوشته به نام «الاساس فی التفسیر» و ایشان هم دو کتاب تفسیر یستر در اختیار نداشته است.

من وقتی این سه تفسیر را با تفسیر راهنما و برداشت‌های مرحوم آیت‌الله هاشمی مقایسه می‌کنم، می‌بینم تفسیر ایشان هم سربلندتر و جامعیت بیشتری دارد و هم هوشمندانه‌تر انتخاب شده است. بدین معنا که آن تفسیر کلاسیک و مدرسی انجام داده‌اند؛ ولی ایشان خیلی هوشمندانه‌تر و جامع‌تر نکات قرآنی را در زمینه‌های مفاهیم اجتماعی و فرهنگی و مباحث اخلاقی استخراج کرده است. این کار فردی با یک زاویه فشرده تکمیل و تحت نظر ایشان در بیست جلد به‌عنوان تفسیر راهنما و ۳۳ جلد فرهنگ قرآن به چاپ رسیده و از نظر حجم و گستردگی مفاهیم و روش کار قابل مقایسه نیست. با این حال ایشان تفسیری «من دلم می‌خواهد فیش‌های خودم هم جداگانه چاپ شود». یعنی معلوم است در بعضی از جاها آن طوری که می‌خواسته منظورشان در تفسیر راهنما بیان نشده و حرفش درست فهمیده نشده است. هم‌اکنون ترجمه‌ای اثر به زبان‌های مختلف عربی و انگلیسی در مرکز فرهنگ و معارف قرآن سریع شده و مجلداتی از آن نیز به زبان اردو به چاپ رسیده است.

این پیشگفتار را با واپسین پاراگراف مقدمه مرحوم آیت‌الله هاشمی، سخنانی بر جلد اول تفسیر راهنما پایان می‌برم که به‌درستی نوشت:

کار پژوهش در قرآن و فرهنگ غنی اسلام پایان نخواهد گرفت؛ بلکه این هم خود زمینه‌ای هموار برای تحقیقات برتر و عمیق‌تر خواهد بود و مطمئناً هرروز چیزی بر این اثر افزوده خواهد شد و مستدرک‌های این دائرة المعارف در طول تاریخ آینده، به‌مراتب از اصل اثر، بزرگ‌تر، عمیق‌تر و جامع‌تر خواهد گردید. من این رشد را در دوران کوتاه کار خود به‌روشنی دیده‌ام. مقایسه دفترهای اوایل و اواخر خود من و حجم سنگین فیش‌های افزوده شده توسط عزیزانی که در مرکز فرهنگ و معارف قرآن بذل جهد کرده‌اند، گواه این مدعاست.

از هم‌اکنون روشن است که هر یک از موضوعات این اثر را اگر به دست متخصص مربوط بسپاریم، سؤالات و جواب‌های جدیدی را می‌تواند بر آن بیفزاید و هر آیه یا

جمله و گاهی کلمه‌ای از قرآن را اگر دانشمند هر علم و فنی، از دیدگاه خود مورد توجه قرار دهد، مطالبی از آن می‌فهمد که به اندیشه‌ی غیرمتخصص راه پیدا نمی‌کند و این راز جاودانگی مفاهیم قرآنی است که از منبع لایزال وحی سرچشمه یافته است و این عینیت سخن ارجمند امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که فرمود: «تَوَرَّأَ لَا تَطْفَأُ مَصَابِيحُهُ وَ سَرَّاجًا لَا يَخْبُو تَوْقُدُهُ وَ بَحْرًا لَا يُدْرِك قَعْرُهُ»^۱.

دریاری این اثر

کتاب «پیام راهنما» تلاشی است شایسته‌ی تقدیر، از سوی جناب حجت الاسلام و المسلمین علی باقری فر، مدیر مؤسسه‌ی فرهنگی دین‌پژوهی بشر، که در راستای تلخیص تفسیر راهنما صورت داده‌اند. هدف ایشان بهره‌گیری بیشتر از مفاهیم قرآن کریم است که با دقت و هوشمندی، مهم‌ترین پیام‌های تفسیر ۲۰ جلدی، اسما را استخراج و ذیل هر سوره در پنج محور کلی سامان داده‌اند. مؤلف، با این هدف این نثر را پیش‌سری را انجام داده تا بتواند پیام‌های هر آیه را برای خواننده در ذیل هر عنوان موضوعی و به ترتیب سوره، پای قرآن به دست دهد. خدا، پیامبران، قرآن (و دیگر کتاب‌های آسمانی)، انسان و معارف پنج موضوع کلی است که محتوای هر سوره در قالب آن‌ها طبقه‌بندی شده و جز این، در آغاز هر سوره نیز چک‌های در معرفی سوره و محتوای آن نگاشته شده است. این کتاب با زبانی آسان‌یاب و با نثر روان و در قالب گزاره‌های خبری، علاقه‌مندان را با مهم‌ترین آموزه‌ها و مفاهیم قرآن آشنا می‌سازد.

سید محمد علی ایازی

سوم تیر ۱۱۳۶، رمضان المبارک ۱۴۳۸ھ ق.